

«فرهیختگان» بررسی کرد؛ سرمربی جدید استقلال چه برنامه‌هایی برای شروع فصل دارد؟

استارت فکری با سیستم استرا و نفرات فرهاد



محمدرضا حاجی عبدالرزاق

روزنامه‌نگار

خیلی‌ها منتظرند تا از استقلال مدل جدید رونمایی شود و ببینند محمود فکری تیمش را با چه آرایشی روانه مسابقات خواهد کرد. استقلال در حالی در بازی آخر خود با ۳ دفاع بازی کرد که در سال‌های اخیر تحت نظر سرمربیان ایرانی با چهار دفاع خطی به مصاف حریفان رفته و فقط در این سال‌ها استراماچونی تیمش را سه‌پنج دو ارنج می‌کرد. حالا به‌نظر می‌رسد فکری هم می‌خواهد راه استراماچونی را برود. چندی پیش در این خصوص از شاهین بیانی پرسیدیم که در پاسخ گفت: «اگر استقلال نفراتی را دارد که بتواند با آنها در تاکتیک ۳-۵-۲ موفق باشد چرا که نه و فکری می‌تواند راه استراماچونی را برود، اما مهم این است که سرمربی ابزار کدام سیستم را در اختیار دارد. با این حال سوال گذشته شش‌هفت آن بودیم که ضعف استقلال به خط دفاعی این تیم و قلب دفاع مربوط می‌شود که از شروع فصل تا پایان رقابت‌های آسیایی هیچ کدام از مربیان نتوانستند این ضعف را مرتفع کنند و استقلال از همان جا لطمه خورد.» از آنجا که فکری در بازی‌های دوستانه تیمش را با سه دفاع ارنج کرد، می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً فصل را با همین سیستم آغاز خواهد کرد.

فکری در مسیر برطرف کردن ضعف اصلی

حال به‌نظر می‌رسد همین دو نکته یعنی ادامه مسیر استراماچونی با چینی ۳ دفاع یا محوریت پوشاندن نقطه ضعف فصل گذشته استقلال یعنی قلب دفاعی این تیم با گماردن محمدحسین مرادمند در این بخش از زمین در دست‌و‌کار محمود فکری قرار گرفته تا امیدها برای کسب موفقیت در فصل بیستم نزد هواداران این تیم زنده شود. هرچند در همه تیم‌ها و در تمامی فصول وقتی بازیکنان جدید جابه‌جا می‌شوند، تا چند هفته به‌مثابه هندوانه در سبزه عمل کرده و هیچ گاه نمی‌توان از همان هفته اول حتی از بهترین خرید تیم یک توقع عملکردی شاهکار و ستاره شدن را داشت.

با این حال چند خرید استقلال مثل محمدحسین مرادمند، رشید مظاهری، محمد نادری، مهدی مهدوی‌پور و چند جوان جوانی نام دیگر و همچنین بازگشت داریوش شجاعیان به میادین به‌همراه سجاد آقایی شرایط را برای کسب یک عنوان



کند. البته نباید فراموش کرد که باقری و ریگی نیز همچنان در استقلال هستند.

تمام ترکیب‌های استقلال در بازی‌های دوستانه

برابر نفت مسجدسلیمان: سیدحسین حسینی، سیاوش یزدانی، محمدحسین مرادمند، شاهین طاهرخانی، میلاد زکی‌پور، احمد موسوی، فرشید باقری، مسعود ریگی، آرش رضواند، داریوش شجاعیان و سجاد آقایی.
برابر هوادار: سیدحسین حسینی، وریا غفوری، محمدحسین مرادمند، سیاوش یزدانی، عارف غلامی، میلاد زکی‌پور، داریوش شجاعیان، آرش رضواند، مسعود ریگی، ارسلان مطهری و مهدی قایدی.

گزینه‌های جانشینی کریمی

حال اینکه فکری برای جایگزینی کریمی چه اندیشه‌هایی در سر دارد و کدام بازیکن در پازل تاکتیکی او برای فصل جدید می‌تواند جای شماره ۶ استقلال را بگیرد، باید تا هفته اول رقابت‌ها منتظر ماند، اما از آنجایی که کریمی اسما هافبک دفاعی بود و رسماً به‌عنوان قلب و مغز استقلال به همه نقاط زمین سرک کشیده و به‌عنوان بازیکن آزاد سعی می‌کرد از خط دفاع تا نوک حمله به تیمش کمک کند، حالا نیز به‌نظر می‌رسد به‌جز بازیکنانی که در پست هافبک دفاعی در خدمت استقلال هستند، فکری می‌تواند از بازیکنی نظیر داریوش شجاعیان که یک هافبک تکنیکی و درعین حال جنگنده به‌شمار می‌رود استفاده کرده یا حتی بازیکنانی نظیر مهدی‌پور یا رضواند را جایگزین کریمی

درخور نام استقلال بعد از سال‌ها فراهم کرده و احتمالاً اگر فکری سکندار خوبی برای کشتی استقلال باشد، این تیم برای ایستادن روی قله فوتبال ایران چیزی کم و کسر ندارد و این درحالی است که به‌قول کارشناسان، اگر علی کریمی هم در استقلال ماندنی می‌شد، مطمئناً یکی از کامل‌ترین تیم‌های تاریخ این باشگاه حداقل در یک‌دهه اخیر در اختیار محمود فکری و دستیارانش قرار می‌گرفت، اما در نهایت کریمی به قطر رفت تا نخستین مأموریت محمود فکری در فصل جدید پیدا کردن جایگزینی مناسب برای کریمی در میانه میدان باشد تا قلب استقلال در فصل بیستم از حرکت بازناستاده و مثل دوران اوج در فصل گذشته که کریمی همه‌کاره این تیم بود، به کارش ادامه دهد.

گفت‌وگو

نیلوفر مژدهی

روزنامه‌نگار

افاضلی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: باشگاه‌های ما اول بازیکن می‌گیرند بعد مربی

فوتبال ایران در شرف مرگ است

اولویت اصلی فدراسیون بعد از انتخابات باید ایجاد ساختار مالی جدید باشد

و معمولاً لازم است موفقیت حاصل شود.

با این شرایط چه سرنوشتی در انتظار لیگ پیش رو است؟

لیگ پیش رو دو دسته تیم خواهد داشت. یکی تیم‌هایی که ثبات مالی دارند و بقیه تیم‌هایی که ثبات مالی ندارند. تیم‌هایی که ثبات مالی دارند می‌توانند رده‌های بالایی جدول را تصاحب کنند. این تیم‌ها شناخته شده‌اند. شاید همگی خیز قهرمانی بر ندراند ولی حداقل جایگاه امنی خواهند داشت. در سایر تیم‌ها چالش‌های بیرون زمین (چالش مالی) رویشان تأثیر منفی می‌گذارد و ناخواسته وارد زمین می‌شوند. آنها اگر می‌خواهند لیگ برتری باقی بمانند باید بیش از پیش تلاش کنند.

چطور می‌توان این فاصله طبقاتی مالی را در فوتبال از بین برد؟

شرایط اقتصادی خوبی در کشور وجود ندارد ولی آنچه در فوتبال است ادامه فوتبال را سخت می‌کند. می‌بینید که وزارتخانه‌ای مثل نفت به کل خود را از فوتبال و حتی ورزش کنار کشیده و مایل است از شر همه تیم‌هایش راحت شود و برای رسیدن به این هدف هر کاری می‌کند. اگر با همین فرمان پیش برویم سایر سازمان‌ها نیز به همین نقطه می‌رسند. ما اگر می‌خواهیم فوتبال را حفظ کنیم- با وجود اینکه خیلی دیر شده است- باید ساختارهای مالی فوتبال را تغییر دهیم. لازم است محل ورود پول به فوتبال تغییر کند. اگر قرار باشد با همین روش کمک از بخش دولتی، پول وارد فوتبال شود به جایی نمی‌رسیم. ممکن است اسمال مدیری بخواهد تیم داشته باشد و سال بعد مدیری به آن بخش دولتی بیاید که به تیم‌داری علاقه نداشته باشد یا این روش فقط فوتبال ضرر می‌کند.

مدیر پول خود را خرج نمی‌کند بلکه پول دولت است و در قبالتش مسئولیت اجتماعی دارد پس نمی‌شود حفظش کرد. مسئولیت اصلی آدم‌هایی که در سطح کلان مدیریت می‌کنند این است که ساختار را تغییر دهند. لازم است این فرد به‌جای اینکه به فکر خود و شرایط‌شان باشد به فکر شرایط فوتبال باشد. این چیزی است که از آنها می‌ماند. می‌توان جلساتی بسا مجلس و دولت برگزار کرد. باید به این نتیجه برسند که چه فکری می‌توان برای نجات فوتبال و ساماندهی مالی آن کرد. ورودی‌های پول چطور می‌تواند به‌جای موقتی، دائمی باشد. اینها مسائل استاندارد در همه جای دنیاست و ما می‌توانیم براساس شرایط بومی خاص خودمان این مسائل را مطابقت دهیم. مثلاً اگر ما نمی‌توانیم حق پخش تلویزیونی بگیریم باید راهکارش را پیدا کنیم چرا که این بحثی بین‌المللی است و ما بعداً به خاطر آن

فوتبال ایران با چالش‌های بسیاری روبه‌رو است و با مشکلات زیادی دست‌و‌پنجه نرم می‌کند. به‌نظر می‌رسد تا زمانی که فوتبال به دست متولی دلسوز و کاربلدی نیفتد وضع به همین منوال باقی بماند. هومن افاضلی به‌عنوان یکی از اعضای بدنه این فوتبال این مسائل را به خوبی حس کرده است. از این رو نسخه‌های تکراری و به قول خودش بدبیهیات را برای این فوتبال می‌پیچد. نسخه‌هایی که شاید تکراری است ولی اگر بعد از سال‌ها به مرحله اجرا درآید شاید گامی در جهت نجات فوتبال بردارد. گفت‌وگوی «فرهیختگان» با افاضلی را در ادامه می‌خوانید.

|||

با توجه به شرایط موجود، لیگ را در آستانه برگزاری مسابقات فوتبال چطور ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من تعداد تیم‌هایی که خود را خوب آماده نکردند زیاد است. البته اغلب تیم‌ها تمرینات را کم و بیش به‌موقع شروع کردند ولی در برخی باشگاه‌ها انتخاب مربی با تاخیر انجام شد و تا مربی نباشد شرایط تمرین ایده‌آل نمی‌شود. فکر می‌کنم تعداد تیم‌هایی که یارگیری خوبی نکردند زیاد است. اینکه بازیکن خوبی در بازار موجود نیست دلیل موجهی برای یارگیری ضعیف نیست بلکه می‌توانستند با ورود به بازار نقل‌وانتقالات همان بازیکن موجود را با توازن بین باشگاه‌های مختلف تقسیم کنند. درحال حاضر سه چهار تیم سطح‌شان کاملاً با بقیه فرق دارد. سایرین هم از نظر کیفیت بازیکن در شرایط خوبی نیستند و از نظر مالی هفت، هشت تیم چالش زیادی خواهند داشت.

فکر نمی‌کنید مشکلات مالی مانع از بازگیری برخی تیم‌ها شده است؟

یکی از دلایل مشکلات مالی است ولی مهم‌ترین دلیل این است که وقتی سرمربی تیم مشخص نیست یا در آخرین لحظات تغییر می‌کند در آن باشگاه دیدگاه روشنی برای جذب بازیکن وجود ندارد. بعضی باشگاه‌ها عادت دارند اول بازیکن بگیرند و بعد سرمربی انتخاب کنند. چطور ممکن است یک آدمی که می‌خواهد از این بازیکنان استفاده کند هیچ نقشی در جذب‌شان نداشته باشد. کار جمعی قابل قبول است ولی وقتی سرمربی در آن جمع نقش زیادی نداشته باشد قابل قبول نیست. اگر نخواهیم بگوییم سرمربی مهم‌ترین آدم است حداقل می‌توانیم بگوییم یکی از مهم‌ترین‌هاست. باید سیستمی درست کرد که بیشترین راندمان را داشته باشد. درست مثل فرمول یک که خودرو را بسازند ای که می‌خواهد آن را به حرکت در بیاورد سازگار می‌کنند چرا که می‌خواهند او در بهترین حالت ممکن کار کند. برای مربی هم باید ابزاری فراهم کرد که بیشترین بازدهی را داشته باشد. از این رو یارگیری باید براساس ذهنیت مربی مربوط باشد اما وقتی مربی را وادار می‌کنند خود را با تیم سازگار کند کارآیی لازم را نخواهد داشت.

در فوتبال روز دنیا نیز گاهی باشگاه بازیکن جذب می‌کند.

آنها برای جذب بازیکن با نظر باشگاه دلیل دارند. برای آنها منبع مالی بازیکن بسیار مهم است. باید دید بازیکنی که جذب می‌شود می‌تواند اسپانسر خوبی با خود بیاورد. خیلی از بازیکنان ژاپنی و کره‌ای به این دلیل مورد توجه باشگاه‌های مطرح اروپایی قرار می‌گیرند که با خود اسپانسرهای خوب می‌آورند. پس از این انتقال‌های شرکت‌های بزرگ کره‌ای و ژاپنی پشت باشگاه قرار می‌گیرند.

در سطح بین‌المللی دچار چالش می‌شویم.

به نظر شما باشگاه‌ها با این همه بدهی می‌توانند وارد چنین مباحثی شوند؟ به نظر من اولویت اصلی فدراسیون فوتبال بعد از انتخابات باید ایجاد ساختار مالی فوتبال به شکل جدید باشد. لازم است این ساختار براساس مبانی‌ای که در همه جای دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد همانندسازی شود. این راه‌ها را می‌توان شناسایی کرد و براساس شرایط بومی منطقه به مرحله اجرا رساند. مهم‌ترین مسأله‌ای که فوتبال روز دنیا را به اینجا رسانده حق پخش تلویزیونی و اسپانسرینگ است. این مسائل باید حل شود. اگر باشگاه‌ها می‌توانند براساس الزام AFC برای خود ساختارهای اقتصادی تهیه کنند و فقط ظاهر سازی می‌کنند، باید حل شود. اگر باشگاه‌ها نمی‌توانند، سازمان لیگ باید ورود کند و شرکت‌ها را برای سرمایه‌گذاری در فوتبال جذب کند. این اگر اتفاقات رخ ندهد فوتبال ایران در شرف مرگ است.

فوتبال ما به‌صرف کننده تبدیل شده و دیگر شاهد ظهور بازیکن مستعد و تراز اول نیستیم. فکر می‌کنید دلیل این رکود چیست؟

چرخه بازیکن‌سازی در فوتبال ما به‌طور کامل از بین رفته است. مدت‌هاست بازیکن نخبه‌ایرانی نمی‌بینیم. مدت‌هاست بازیکنی در کلاس علی کریمی ظهور نمی‌کند درحالی که قبلاً در هر دوره بازیکنانی از این دست بودند. در دهه ۶۰ آن‌قدر بازیکن داشتیم که می‌توانستیم دو سه تیم ملی داشته باشیم. الان دیگر بازیکن نخبه نداریم و اعضای تیم ملی هم بازیکنان متوسط خوب هستند و بازیکنی با اختلاف کلاس علی دایی، علی کریمی یا مهدوی کیا وجود ندارد. معنی‌اش این است که ما تولید بازیکن نداریم. سال‌ها قبل متذکر شدیم از آموزش به دست مدارس فوتبال پولی، بازیکن به دست نخواهیم آورد. حالا آن بازیکنان به مراحل بالا رسیدند و می‌بینیم که کیفیت لازم را ندارند. اگر نتوانیم این مشکلات را حل کنیم تنها کیفیت لیگ را از دست می‌دهیم بلکه در دهه‌های بعد ما چالش بزرگ تیم متوسط رو به‌رو می‌شویم. این روند باعث می‌شود علاقه مردم به فوتبال کم شود و فوتبال از رونق افتاده و

به فوتبال اولویت کم شود و فوتبال از رونق افتاده و به فوتبال اولویت کم شود. پس لازم است ابتدا شرایط اقتصادی باشگاه‌ها را درست کنیم و بعد به سراغ مهندسی مدیریت باشگاه برویم تا هر فردی نتواند مدیرعامل باشگاه شود و کسی بیاید که ساختار باشگاه را درست کند. قواعد فوتبال را بشناسد. لازم است که درصد خاصی از بودجه باشگاه به پرورش و تولید بازیکن اختصاص داده شود چرا که در غیر این صورت شناس دیگری نداریم. این فرمول‌ها ساده است و همه می‌دانند ولی این بدبیهیات را انجام نمی‌دهیم. همه سراغ مربی می‌روند و به او خرده می‌گیرند ولی وقتی مربی کیفیت لازم را از هیچ نظر در اختیار ندارد دچار مشکل می‌شود و کارش سخت خواهد شد.

